

در آستانه تحقیق

عون إخوان الصفاء علی فهم کتاب الشفاء

تألیف بهاء الدین محمد اصفهانی (فاضل هندی)

علی اوجبی*

نزد پیشینیان، حکمت یا فلسفه شامل تمامی دانشهای نظری و عملی بود و فلسفه یا حکمت نظری به سه شعبه تقسیم می شد:

۱. فلسفه اولی (= حکمت برین) یا مابعدالطبیعه با دو بخش الهیات به معنای اعم (= امور عامه) و الهیات به معنای اخص.

۲. فلسفه وسطی (= حکمت میانی) یا ریاضیات.

۳. فلسفه سفلی (= حکمت زیرین) یا طبیعیات.

منطق نیز که دانشی ابزاری و مقدمه ای برای تمامی تلاشهای عقلانی است، در ابتدای شماری از تألیفات فلسفی درج می شد تا خواننده بی نیاز از مراجعه به آثار منطقی باشد. از این رو، بسیاری از آثار فلسفی فلاسفه مسلمان، شامل تمامی مباحث و شعبه های فلسفه بود. از جمله مهمترین آثار فلسفی باید به دایرة المعارف فلسفی شفاکه شاهکار فلسفه اسلامی و اوج فلسفه مشا به شمار می آید، اشاره کرد.

شفاي شیخ الرئیس ابوعلی سینا شامل چهار بخش عمده است:

۱. منطق

۲. الهیات

۳. ریاضیات

۴. طبیعیات

* پژوهشگر و مصحح متون فلسفی و آثار میرداماد.

ذکر این نکته ضروری است که مقصود شیخ از «الهیات» الهیات به معنای اخصّ نیست، بلکه شامل امور عامّه یا الهیات به معنای اعم نیز می‌شود. شاهد آن اینکه او در فصلی که برای بیان مسائل این علم منعقد کرده نخست به مباحث مربوط به امور عامّه اشاره می‌کند:

- نسبت شیء و موجود به مقولات.
- عدم، وجوب و شرایط آن، و امکان و حقیقت آن.
- قوّه و فعل.
- بالذات و بالعرض، و حقّ و باطل.
- جوهر و اقسام آن.
- عرض و گونه‌های آن.

سپس به مباحث مربوط به الهیات به معنای اخصّ تصریح کرده چنین می‌گوید:

سپس به مبادی موجودات منتقل می‌شویم. نخست اثبات می‌کنیم که مبدأ اوّل، واحد، حقّ و در نهایت جلالت است و... بعد بیان می‌کنیم که نسبت او با سایر موجودات چگونه است؟ و نخستین موجودی که از او به وجود آمده چیست؟ و موجودات بعدی چگونه به ترتیب از او به وجود آمده‌اند؟... و نفس انسانی پس قطع ارتباط با طبیعت، چه حالتی خواهد داشت؟ و وجودش در چه مرتبه‌ای خواهد بود؟ و در ضمن مباحث یاد شده، برای اثبات عظمت و جلال جایگاه نبوّت، و وجوب اطاعت از نبی، اینکه نبوّت از جانب خدا و به طور مطلق واجب شده است و نفوس انسانی برای کسب سعادت اُخروی - علاوه بر حکمت - به چه اعمالی نیازمندند، استدلال خواهیم کرد و اصناف سعادت را تعریف خواهیم کرد. وقتی بدین جا رسیدیم، کتابمان را به پایان می‌رسانیم و در این کار از خداوند استعانت می‌جوییم^۱.

در میان بخشهای چهارگانه شفا، قسمت الهیات بیشتر مورد توجه حکما قرار گرفت، و فیلسوفان متعدّدی به شرح و حاشیه نویسی آن برآمدند که از آن جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- شفاء القلوب^۲ / غیاث الدین منصور دشتکی (در گذشته ۹۴۸ ه. ق.)
- ریاض الرضوان / غیاث الدین منصور دشتکی (در گذشته ۹۴۸ ه. ق.)
- تعلیقات صدر المتألّهین شیرازی^۳
- حاشیه شاه طاهر اسماعیلی [= شاگرد شمس الدین خفّری] (در گذشته ۹۵۲ ه. ق.)

- حاشیه میرظهیرالدین (در گذشته ۱۰۲۵ ه. ق.)
- حاشیه میرداماد (در گذشته ۱۰۴۱ ه. ق.)
- مفتاح الشفاء (عروة الوثقی) / میرسید احمد علوی^۴
- حاشیه عبدالغفار گیلانی (= از شاگردان میرداماد)
- حاشیه محمد باقر سبزواری (در گذشته ۱۰۹۰ ه. ق.)
- حاشیه آقا حسین خوانساری (در گذشته ۱۰۹۸ ه. ق.)^۵
- حاشیه میرزا محمد شیروانی (در گذشته ۱۰۹۸ ه. ق.)
- حاشیه آقا جمال الدین محمد خوانساری (در گذشته ۱۱۲۵ ه. ق.)
- حاشیه میرزا عبدالله تبریزی (در گذشته ۱۱۳۰ ه. ق.)
- حاشیه حزین لاهیجی (در گذشته ۱۱۸۱ ه. ق.)
- حاشیه مولا سلیمان
- حاشیه آقا حسین خوانساری
- حاشیه ابوالحسن جلوه^۶

اما اثر مورد نظر یعنی عون إخوان الصفاء علی فهم کتاب الشفاء نگاشته فیلسوف فقها و فقیه فلاسفه، بهاءالدین محمد فرزند تاج الدین حسن بن محمد اصفهانی مشهور به فاضل هندی از اندیشمندان اواخر عهد صفوی (۱۰۶۲ - حدود ۱۱۳۵ ه. ق.) است.

همو که به گفته صاحب جواهر «اگر نبود، دانش پربار فقه به ایران منتقل نمی شد»^۷ بهاءالدین محمد از نوابع جهان اسلام به شمار می آید، چه پیش از سن بلوغ در شمار فقهای بزرگ عصر خود به شمار می آمد و در سن ۲۰ سالگی از مدرّسان به نام معقول و منقول بود.

بدر او نیز از فضیلتی عصر خود بود و در تربیت فرزند خود سعی وافی داشت و آنی از او جدا نمی شد؛ و چون در هند دارای دوستانی بود، مدّتی را با فرزند برومند در آن دیار به سر برد؛ از این جهت، فرزند او را «فاضل هندی» نامیدند، ولی خود او از این عنوان خشنود نبود، بلکه گاهی اظهار عدم رضایت می نمود و معاصران خود را منع می نمود که او را بدین عنوان بخوانند^۸

گرچه نویسنده اندیشمند ما بیشتر در زمینه علم فقه اشتهار دارد و این بواسطه نقش عظیمی است که در احیاء، پویایی، بالندگی و تداوم علم فقه داشته، اما با بررسی اجمالی

دیگر رسائل و کتابهایی که در شاخه‌های گوناگون علوم و معارف اسلامی از خود بر جای گذاشته، براحتمی می‌توان دریافت که افزون بر دانشهایی چون: فقه، اصول، ادبیات و تفسیر در علوم عقلی نیز تبخّر و تدبّری خاص داشته است. وی علاوه بر تلخیص منابع کلامی و فلسفی پیشینیان و شرح و حاشیه بر آنها، به خلق و آفرینش آثار مستقل و مختصری چون: کلید بهشت، چهار آینه الزبده و حکمت خاقانیه^۹ دست زد که اثر اخیر از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

عون إخوان الصفاء اثر نفیس او در حکمت، تلخیص کتاب شفاست که در ضمن حذف مکرّرات عبارات شفا و بیان مطالب با عباراتی روان که خاصیت قلم توانای اوست، مشکلات کتاب را نیز حلّ نموده است.^{۱۰}

او دوبار به کتاب شفا می‌پردازد:

نخست در سنّ شانزده سالگی آن را تلخیص می‌کند که متأسفانه در اثر آتش سوزی نابود می‌شود.

شش سال بعد، در سنّ بیست و دو سالگی به تلخیص و شرح سه بخش منطق، طبیعیات و الهیات می‌پردازد و در سال ۱۰۸۱ ه. ق آن را به پایان می‌رساند و به شاه سلیمان صفوی اهدا می‌کند.

او در آغاز یکی از نسخه‌های خطّی موجود دربارهٔ این دو تحقیق چنین می‌نویسد:
کتاب عون إخوان الصفاء علی فهم کتاب الشفاء من مؤلفات أفقر المربوبین إلی رحمة ربّه الغنیّ، محمّد بن الحسن، الشهیر ببهاء الدین الاصفهانی، فرغ من تألیفه و هو ابن اثنتی و عشرين، و قد کان فرغ من تألیف التلخیص الأوّل الذی احترق و هو ابن ستّ عشرة، و الحمد لله ربّ العالمین.

صاحب روضات تصریح دارد که تلخیصی که فاضل هندی ارائه کرده کامل نیست.^{۱۱}

مرحوم مشکوة نیز در آغاز یکی از نسخه‌های ناقص عون إخوان الصفاء که به کتابخانه مجلس فروخته و گمان کرده که نسخه کاملی است، چنین آورده: «شاید منظور روضات آن باشد که مؤلف، منطق شفا را تلخیص نکرده و گرنه این کتاب تمام است.» در حالی که همان گونه که گذشت کتاب مورد بحث شامل بخش منطق نیز هست.

در این جا خالی از فایده نخواهد بود که آغاز و انجام هر سه بخش را بیاوریم:
آغاز منطق: الفنّ الأوّل - المقالة الأولى فی بیان الکلیات الخمس فیها أربعة عشر

فصلاً. الفصل الأوّل فى بيان واضح المنطق...
 انجام منطق: الفصل السادس فى بيان غلط الشاعر... و إذ قد بلغنا الغاية فى تلخيص
 فنون المنطق من الشفاء... و نتلو بتلخيص فنون الطبيعى و الإلهى...
 آغاز طبيعيات: الجملة الثانية من كتاب عون إخوان الصفاء على فهم كتاب الشفاء فى الفلسفة
 الطبيعية و فيها ثمانية فنون...
 انجام طبيعيات: هذا ما أردنا إيرادہ من تلخيص فنّ طبائع الحيوان من فنون الجملة
 الثانية و يتلوه تلخيص الإلهى...
 آغاز الهيات: الجملة الثالثة فى الفلسفة الأولى و فيها عشر مقالات...
 انجام الهيات: وليكن هذا آخر ما أردنا به تحلية وجوه القراطيس برنوس الأقلام و
 تجلية أوام الآوام عن صفحات صدور أولى الأفهام من فتح مقفلات أبواب الشفاء و
 إيضاح مغلفات عباراته الزهراء...
 با کمال تعجب - همان گونه که استاد حائرى نیز تصريح دارند - فصلهاى نخستين
 اين اثر با کتاب شفا مطابقت ندارد.^{۱۲}

شيوه تصحيح و نسخه‌هاى موجود

از اين اثر نسخه‌هاى چندی وجود دارد که تمامی آنها جز يکى کامل است. اساس
 تحقيق ما مبتنى بر دو نسخه موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامى است:
 ۱. نسخه شماره ۱۹۲۰: اين نسخه کامل بوده و به خط نسخ، در زمان مؤلف کتابت
 شده است. همان گونه که مؤلف در پايان نسخه تصريح دارد، به فاصله اندکى پس از
 تأليف اصل اثر، خود اين نسخه را مقابله و اصلاح کرده است:
 هذه صورة ما كتبه فى أصله الذى بخطى و قد أكملت مقابلة هذه النسخة من
 تلك النسخة التى بخطى أول يوم الجمعة السابع و العشرين من ثانى الربيعين رابع
 التاسعة و الثمانين بعد الألف من الهجرة النبوية على صاحبها و آله أفضل صلاة و
 أكمل تحية.

از اين رو، اساس تصحيح ما مبتنى بر همين نسخه که درست ترين و معتبرترين
 نسخه موجود است، مى باشد. اين نسخه شامل ۷۳۵ صفحه ۲۳ سطرى است که ۳۶۲
 صفحه آن به منطق اختصاص دارد: ۲۷۸ به طبيعيات و مابقى به الهيات. حواشى
 محتوایى شارح نیز زينت بخش اين دستنوشته است.

۲. نسخه شماره ۱۹۲۱: این نسخه ناقص است و تنها شامل طبیعیات و الهیات می‌باشد. گویا از روی نسخه به خط مؤلف و در تاریخی نزدیک به نسخه قبل کتابت شده است. شامل ۷۶۴ صفحه بیست سطری است که ۵۶۰ صفحه به طبیعیات و مابقی به الهیات اختصاص دارد. از این دست‌نوشته به عنوان نسخه‌ای کمکی در بازخوانی نسخه اول بهره بردیم.

خوشبختانه حروفچینی این اثر به پایان رسیده و در حال غلط‌گیری نهایی است. امیدوارم که بنابر وعده ناشر در اواخر سال جاری منتشر در اختیار دوستداران حکمت و فلسفه اسلامی قرار گیرد؛ ان شاء الله.

پی‌نوشتها

- ۱- الشفاء (فن سیزدهم)، الهیات، مقاله اول، فصل چهارم،
- ۲- این اثر توسط نگارنده تصحیح و در کتاب گنجینه بهارستان (حکمت) به سال ۱۳۸۰ منتشر شد.
- ۳- صدرا بر بخش طبیعیات نیز حواشی و تعلیقاتی دارد. ر.ک: الذریعة، ج ۶، ص ۱۴۱.
- ۴- او دو بخش «برهان» و «قاطیغوریاس» سفارا نیز شرح کرده است که نسخه‌ای از آن به خط مؤلف در کتابخانه شخصی حضرت آیت الله روضاتی موجود است.
- ۵- او بخش طبیعیات را نیز شرح کرده است. ر.ک: الذریعة، ج ۶، ص ۱۴۲.
- ۶- حاشیه وی شامل بخش منطق نیز می‌شود. ر.ک: الذریعة، ج ۶، ص ۱۴۱.
- ۷- فوائد الرضویة، ص ۷۸.
- ۸- منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران، ج ۳، ص ۶۵۵.
- ۹- این اثر توسط نگارنده تصحیح و با مقدمه دکتر دینانی در سال ۱۳۷۷ از سوی مرکز نشر میراث مکتوب منتشر شد.
- ۱۰- منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران، ج ۳، ص ۶۵۶.
- ۱۱- ر.ک: روضات الجنات، چاپ سنگی، ص ۶۴۷.
- ۱۲- ر.ک: فهرست کتب خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ج ۵، ص ۴۲۸.